

جام جهانی بدون لئو

آرژانتین و ستاره بی‌بدیش حالا سقوط را تجربه می‌کنند. مسی که بعد از یک خداحافظی پرسروصدا به تیم ملی باز گشته، حالا نمی‌تواند خیلی به تیمش خدمت کند و آرژانتین در آستانه حذف از مسابقات مقدماتی جام جهانی قرار گرفته است. لیونل مسی طبق روال عادی همه جای دنیا سوپر استاری است که تحت‌فشار قرار گرفته و روزهای بدی را تجربه می‌کند. او و بازیکنان آرژانتین اگر تلاششان را بیشتر نکنند جام جهانی روسیه بدون لئو مسی است، بدون اینکه او خداحافظی کرده باشد.

یکشنبه ● ۲۳ آبان ۱۳۹۵ ● شماره هفتاد و نه

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

هواپاش

با حاشیه، بی‌حاشیه



قراردادها و «بی‌تجربگی» در فوتبال ایران

«چرا کار قراردادهای فوتبال ایران به اینجا رسیده است؟» اگر قرار باشد در دو کلمه به این سوال پاسخ بدهیم جواش حتما مدیریت هزینه‌است. این دردی است که فوتبال ایران به آن دچار شده و در مسائل مختلف خودنمایی می‌کند. مدیریت هزینه به این معنا که بدون نگاه به درآمزایی و برنام‌های مالی، یک مدیر انتخاب می‌شود و بعد سالی ۸ میلیارد تومان در یک باشگاه فوتبال خرج می‌کند و همه چیز تمام می‌شود. در اصل مدیران بدون اینکه خود را پاسخگو بدانند فقط مقداری پول را خرج می‌کنند و بعد از پایان دوره مدیریت همه چیز را به همان شکل رها می‌کنند و می‌روند. وقتی مدیریت شکل هزینه‌ای پیدا کند، نیاز به اطلاع و رعایت قوانین قرارداد حرفه‌ای به نازل‌ترین حد ممکن پایین می‌آید و مدیران باشگاه‌ها با دست و دلبازی قراردادی می‌بندند که شاید دو سال بعد نفر بعدی پاسخگویش باشد و شاید هم نباشد. مدبری که مسئول در آمد نیست، حتما پاسخگوی هزینه‌ها هم نیست و در نقل و انتقالات دنبال جذب بهترین بازیکن ممکن است، چون بر خلاف مدیریت جهانی فوتبال خود را پاسخگوی نتیجه‌گیری تیم نمی‌داند و در همین پروسه ساده، بازیکنانی که مشهورند فرصت پیدای کنندنبندهای آنچنانی را در قراردادشان پیشنهاد کنند. البته در این مسیر دانش اندک برخی مدیران هم بی‌اثر نیست و کمک می‌کند که پیش از همه چیز منافع بازیکن در نظر گرفته شود، اتفاقی که در قراردادهای خارجی بیش از پیش خودنمایی می‌کند. تصور کنید یک بازیکن با کیفیت یا کم کیفیت به باشگاه ایرانی آمده. براساس قوانین فیفا این بازیکن اگر ۳ ماه در باشگاه بماند و از آن جدا نشود پول یک سال را می‌تواند بگیرد. اما بسیاری از باشگاه‌های ایرانی از این مسئله باخبر نیستند و خیلی راحت عنر بازیکن را بدون توجه به این ۳ ماه می‌خواهند و تصور می‌کنند چون این بازیکن تا به حال بازی نکرده می‌توانند از پرداخت حق و حقوقش فرار کنند. در حالی که طرف مقابل دقیقاً به اندازه ۳ ماه حضور در کشور وقت می‌گذارد و با مشورتی ساده پس از جدایی ایران را ترک و شکایت می‌کند. اتفاقی شبیه آنچه برای ژوزه مورئس سرمربی اسبق پرسپولیس افتاد. او که متوجه شده بود مدیریت باشگاه تمایلی به حفظش ندارد، روزهای آخر را با هر زحمتی بود در تهران ماند و بعد از پایان ۳ ماه باشگاه را ترک و شکایت کرد. او البته طبق قوانین فیفا و با توجه به پرداخت با تاخیر پویش حالا می‌تواند مبالغ قابل توجه‌تری دریافت کند. چندین برابر رقم اصلی. همه این مسائل از بی‌تجربگی مدیریت باشگاه‌ها از قوانین نشأت می‌گیرد. این ناآگاهی فقط مربوط به مدیران نیست، حتی قرارداد نمونه سازمان لیگ هم اشکالاتی اساسی دارد، اشکالاتی که نشان می‌دهد فوتبال ایران بایب دانشی مفراطر حقوق فوتبال مواجه است. نه قانون گذار، نه مجری قانون و نه کسانی که این قانون له و علیلشان استفاده می‌شود دانش لازم را ندارند و نتیجه این بی‌دانشی را می‌توان در بندهای یک طرفه قراردادها دید که فوتبالیست‌ها با کمک مشاورانشان وضعی می‌کنند و شرط‌های عجیب و غریب می‌گذارند. البته ضعف‌های حقوقی فقط به ضرر باشگاه‌ها نیست و اکثر بازیکنان هم موفق نمی‌شوند کلیه حق و حقوقشان را از باشگاه‌ها بگیرند. آن‌ها در طول فصل هر چقدر گرفتند گرفتند، بعد از آن باید شکایت کنند و معلوم نیست چه زمانی و به چه شکلی موفق می‌شوند آنچه در قرارداد نوشته‌اند را دریافت کنند. حالا شاید چند بازیکن هم از بندهای قرارداد سود ببرند اما حقیقت این است که فوتبال ایران از مدیریت‌ها تا بازیکنان بارها بابت این بی‌دانشی ضرر کرده و البته مدیران هیچ وقت نتخواسته‌اند مشکلاتشان را از راه درست و درمان حل کنند.

● برنامه بازی‌ها.

● **فوتبال** ●

مقدماتی جام جهانی آسیا

■ **سه‌شنبه ۹۵/۸/۲۵**

کره جنوبی – ازبکستان ۱۴:۳۰

چین – قطر ۱۵:۰۵

سوریه – ایران ۱۵:۳۰

ژاپن – عربستان ۱۴:۰۵

تایلند – استرالیا ۱۵:۳۰

امارات – عراق ۱۸:۳۰

جام حذفی ایران

■ **جمعه ۹۵/۸/۲۸**

نفت مسجدسلیمان – سایپا ۱۴:۳۰

آلومینیوم اراک – سپاهان ۱۳:۳۰

نفت– شهرداری فومن ۱۴:۱۵

استقلال – صبا ۱۴:۳۰

ذوب‌آهن – ماشین‌سازی ۱۶:۳۰

فولاد – نفت و گاز چکساران ۱۴:۳۰

تراکتورسازی – برق جدید شیراز ۱۳:۳۰

اروپا

■ **شنبه ۹۵/۸/۲۹**

منچستر – آرسنال ۱۶:۰۰

کریستال پالاس – منچسترسیتی ۱۸:۳۰

دورتموند – بایرن ۲۱:۰۰

۸۰۰ میلیون تومان درج شده، اما اگر بتواند بیش از نیمی از بازی‌ها را بازی کند ۱/۶ میلیارد تومان خواهد گرفت.

■ **نمایشی، نیستیم**

«اگر آقای فلاّنی نباشد، قرارداد من فسخ می‌شود.» این بند را در هیچ جای دنیا پیدا نمی‌کنید! اما در ایران از چندین سال پیش مد شده که بازیکنان در قراردادهاشان شروط فسخ قرارداد به شرط خروج سرمربی ام‌یرعامل را امضا می‌کنند. قراردادهایی که فقط و فقط به ضرر باشگاه است. باشگاهی که اول فصل در یک دوره زمانی روی بازی چند بازیکن حساب می‌کند، با این بند قرارداد عملاً اجازه پیدا نمی‌کند سرمربی یا مدیر را عوض کند و با اگر این کار را بکند باید خودش را برای لیگ پایین‌تر آماده کند، چون بازیکنانش می‌توانند جدا شوند.

■ **کالابه کالا**

در کتاب‌های تاریخ مدرسه در مورد تجارت‌های اولیه کالا به کالا خوانده‌ایم، حالا این مدل از تجارت در قراردادهای فوتبال متداول

بود و نه چیز دیگر. این مدل در هیچ باشگاه حرفه‌ای دیده نمی‌شود چون معمولاً باشگاه‌های حرفه‌ای در کشورهایی فعالیت می‌کنند که قوانین سختگیرانه شفافیت مالی دارند، اما می‌توان ادعا کرد که اگر همین امروز با دقت بگردید تعدادی بازیکن در لیگ ایران پیدا می‌کنید که مبلغی متفاوت از قراردادشان دریافت می‌کنند.

■ **نصف بازی کن، بیشتر بگیر**

بندی در قراردادهای فوتبال دنیا وجود دارد که به تعداد بازی بازیکنان برمی‌گردد، مثلاً شرط می‌کنند اگر بازیکن نتواند در نیمی از بازی‌های تیم بازی کند مبلغ قراردادش به صورت قابل توجهی کم می‌شود. اینجا از این بند برای دور زدن قوانین وزارت ورزش استفاده می‌شود. وزارت ورزش در سال‌های اخیر بر بازیکنان فوتبال سختگیری‌های ویژه‌ای اعمال کرده و مثلاً امسال اعلام شد که بازیکنان استقلال و پرسپولیس حق ندارند بیش از یک میلیارد تومان دریافت کنند. اما در همین قرارداد یکی از بازیکنان بندی مربوط به تعداد بازی را جا داده و مبلغ عجیبی گرفته است. این بازیکن قراردادی ۱/۶ میلیاردی دارد. هر چند در قرارداد او رقم

نمای نزدیک

موارد و آپشن‌های عجیب و غریب قراردادها کم نیست، مثلاً همه بازیکنان با اینکه ملزم هستند قراردادی سه‌ساله ببندند، قراردادشان بندی دارد که به آن اجازه می‌دهد بعد از یک سال به راحتی از تیم جدا شوند. یا هستند بازیکنانی که در قراردادهاشان بابت پاس گل‌هایی که می‌دهند پول بیشتری می‌گیرند و بابت گل‌ها هم همین‌طور. البته این شیوه در دنیا مرسوم است اما اگر بابت ۱۰ پاس گل قرار باشد به یک بازیکن ۵۰۰ میلیون تومان بدهند، دیگر بند مرسوم نیست و یک مدل دور زدن است.



● **مهدی شادمانی** ●

shadmanimehdi@gmail.com ●

فکر می‌کنید پای هر قرارداد تا چه حد می‌شود شرط و شروط گذاشت؟ قرارداد فروش خانه باشد، ماشین، انجام کار یا هر چیز دیگر فرقی نمی‌کند، وقتی شما جنس یا خدمت باارزشی دارید و پای قرارداد می‌نشینید سعی می‌کنید با بندهای مختلف منافع بیشتری را برای خود حفظ کنید. در طرف مقابل هم، کسی که خدمت/کالای شما را می‌خواهد تلاش می‌کند بندهای سخت‌گیرانه را کم کند یا به نفع خودش تغییر دهد. این مسئله در فوتبال هم وجود دارد، اما به نظر می‌رسد کم‌دقتی برخی مدیران فوتبال سبب شده برخی ستاره‌های فوتبال قراردادهای عجیب و غریب و فضایی بنویسند. قراردادهایی که بندهای (شما بخوانید آپشن) حمایتی از بازیکنانش بسیار زیاد است و در نتیجه باشگاه حسابی از آن ضرر می‌کند. البته برخی از این بندهای قرارداد در مدل‌های حرفه‌ای و جهانی‌اش هم هست، اما حتماً این مدل از بندها هیچ جای دنیا پیدا نمی‌شود.

■ **زیرمیز**

این آپشن زیرمیزی چیزی نیست که امروز متداول شده باشد، از قدیم‌الا یام تعدادی از بازیکنان و باشگاه‌ها برای قرار مالیاتی درباره یک رقمی صحبت می‌کردند و رقم دیگری را در قرارداد می‌نوشتند، اما از آنجایی که پرداخت تضمین نمی‌شد کم‌کم این‌طور شد که بازیکنان لحظه‌امضای قرارداد پولی می‌گرفتند که رسید هم برایشان نمی‌دادند. یا اگر رسید می‌دادند بابت فلاّن طلب

● در حاشیه●

● **مهدی پاک‌نیت** ●



کاوه رضایی

عده‌ای نزدیک رفتند و از او پرسیدند: «چرا دیگر در مورد تیم ملی حرف نمی‌زنی؟» گفت: «چهار سال پیش حرف زدم و همگی ریختند سرم، دیگر حرف نمی‌زنم، قهر قهر تا روز قیامت!» ضمن تشکر از جلالی بابت گرفتن روزه سکوتی که برای تیم ملی خوش‌یمن بوده و مثل چهار سال پیش به قیمت صعود به جام جهانی تمام می‌شود، از تمامی خبرنگاران هم تقاضا داریم جلالی را در سکوت سازنده‌اش باری دهند تا مجبور نشویم تن لرزه بگیریم و صدقه بگذاریم کنار برای راهیایی تیم ملی به جام جهانی!

مجید جلالی



کارلوس کی‌روش

قبل از عزیمت به مالزی در خصوص دعوت یک‌سری از بازیکنان به این اردو گفته بود: «هوای مالزی بارانی است، به همین دلیل آن‌ها را به آنجا می‌برم.» پای تیم ملی که به مالزی رسید، بغض آسمان این کشور شکست و به قول یکی از گزارشگران «باران خوبی در مالزی وزیدن گرفت!» ما جای مسئولان باشیم از کی‌روش با حفظ سمت در سازمان هواشناسی کشور استفاده می‌کنیم تا اوضاع پیش‌بینی‌ها به این شکل نباشد که فلاّن کارشناس هواشناسی در تلویزیون بگوید فردا از ساقه‌طلایی خشک‌تر است، اما آسمان آنچنان غلیظ باراد که خیابان‌های این شهر بزرگ قفل شود!

